

# راهبرد های تحقق امنیت منطقه ای در سند چشم انداز

گزارش علمی

## اشاره:

کشورهای آسیای جنوب غربی جایگاهی آشنا در تاریخ ایران زمین هستند و از سپیده دم تاریخ تاکنون رابطه تاریخی و فرهنگی آن با ایران قطع نگردیده تا حدی که می توان گفت شناخت تاریخ این کشورها بدون شناخت تاریخ ایران ممکن نخواهد بود. نام این منطقه همچنین با اساطیر ایران زمین و تاریخ ادبیات ایران گره خورده است به گونه ای که محل وقوع بسیاری از حوادث داستان های اساطیری ایران، کوه ها یا دشت های این سرزمین می باشد و این آمیختگی اساطیری، تاریخی و فرهنگی تا جایی است که هر چه به عمق تاریخ نگاه کنیم نزدیکی و همبستگی بیشتری در جغرافیا، فرهنگ و تمدن ایران و کشور های آسیای جنوب غربی خواهیم دید. دانشگاه عالی دفاع ملی در جستجوی این قابلیت و ضرورت نشستی یک روزه را با جمعی عالمانه و صمیمی از اساتید صاحب نظر در موضوع روابط منطقه ای برگزار نمود که در ذیل گزارش بخشی از این مباحثات را شاهد هستیم.

**ارائه کننده:** دکتر اسماعیل کاووسی دانشیار و متخصص روابط بین الملل

## زمینه های تعامل منطقه ای

ایران و کشورهای منطقه در شرایطی به یک الگو و تعامل سازنده خواهند رسید که دید و منافع مشترک داشته باشند. در این میان اسلام و ارزشهای والای آن به عنوان هویت مشترک کشورهای منطقه در مقابل فزون طلبی های غرب محسوب می شود، مخرج مشترک منافع ملی کشورهای منطقه، تهدیدی بنام غرب است. که تحت عنوان مقابله با «اسلام گرای» صورت می گیرد. در این شرایط تهدید مشترک، بنیان های مشترکی را برای همکاری درون منطقه ای فراهم ساخته است.

در وضعیت موجود، الگوی موثر و مطلوب ایران برای ایفای نقش موثر در آسیای جنوب غربی براساس الگوی مشارکتی «برابر و هم وزن» صورت می گیرد. که به مفهوم حداکثر سازی قدرت منطقه ای در مقابل حداقل سازی عناصر مداخله گرای خارجی است. این الگو به مفهوم هژمونیک گرای ایران و تحمیل خواسته به کشورهای منطقه نیست بلکه تعمیم منافع مشترک و ایجاد وابستگی منطقه ای برای احراز از هرگونه شکل گیری الگوی غربی است. امر مبرهن این است که الگوی رفتاری امریکا و تلاش برای ایجاد امنیت یکجانبه بدون حضور بازیگران تأثیرگذار مثل ایران نمی تواند کمکی به امنیت منطقه داشته باشد از اینرو در شرایط فعلی کشورهای منطقه با اتکا به توانمندیهای داخلی و منطقه ای خویش با مشارکت و همکاری بیشتر راه را برای امنیت سازی و ائتلاف فراهم سازند. بنظر می رسد که امنیت منطقه آسیای جنوب غربی بدلیل اختلافات مرزی و سرزمینی و نیز در هم تنیدگی فرهنگی و سیاسی با چالش جدی مواجه است.

از سوی دیگر ورود عناصر مداخله گر و ناهمگون به سیستم منطقه تداوم مناقشات را در پی داشته است. الگوی مطلوب برای امنیت منطقه در چنین شرایط شکننده توجه کنش گران محلی به همکاری متقابل و چند جانبه برای نیل به امنیت مشاع می باشد. در امنیت مشاع هر یک از بازیگران براساس توانمندیهای خود مبادرت به همکاری امنیتی می نمایند. ارائه کننده: دکتر ابراهیم مهدوی انگجی دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

## آینده امنیت خاور میانه

طی قرن گذشته، ژئوپلتیک خاور میانه، به گونه ای دچار تغییر و دگرگونی شده است، این امر به تغییر مبادله قدرت در منطقه برمی گردد. با فروپاشی ساختار دوقطبی و تلاشهای آشکار ایالات متحده برای ایجاد نظم نوین جهانی، منطقه خاور میانه بدلیل خلاء قدرت (شوروی)

با چالش های مختلفی روبرو گشت. بعد از فروپاشی شوروی (۱۹۹۰) تلاش ایالات متحده برای تسلط هر چه بیشتر بر ذخایر استراتژیک منطقه دوچندان شد. بطوریکه رشد هژمونیک گرایی امریکا، وابستگی کشورهای عربی را به امریکا در پی داشت.

پس از حمله نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا به عراق و سرنگونی رژیم بعث تحت لوای «اشاعه دموکراسی» و «برقراری امنیت پایدار»، در منطقه شاهد شکل گیری الگوی جدید امنیتی به محوریت غرب بودیم حضور نظامی و دخالت امریکا در ترتیبات امنیتی منطقه برهم زننده ثبات و منافع ملی ایران قلمداد می شود. بنابراین الگوی رفتاری ایران در این برهه را می توان به عنوان پاسخی به شرایط و شکل بندی امنیتی خاور میانه دانست.

در این دوران، ایران با اجرای سیاست شفاف سازی و اعتمادسازی در روند همکاریهای منطقه ای با کشورهای حوزه خاور میانه تلاش نمود که از تصاعد تنش های درون منطقه ای جلوگیری کند. در این راستا ایران ضمن محکومیت تجاوز عراق به کویت و تاکید بر حاکمیت مستقل کشورهای منطقه توانست ضمن رفع هر گونه سوء تفاهم موجود، زمینه را برای همکاریهای اقتصادی و امنیتی فراهم سازد. نمود عینی این همکاری را می توان در تعاملات سازنده تهران- ریاض مشاهده کرد. بطوریکه ایران و عربستان بعنوان دو کشور تأثیرگذار در حوزه خاور میانه برای نخستین بار تمایل خویش را به عقد پیمان امنیتی نشان دادند. اما با توجه به نفوذ و سلطه بازیگران قدرتمند جهانی در منازعه ضدایران، مخاطرات قابل توجهی را برای امنیت ملی ایران به همراه داشت.

از زمان سرنگونی صدام، حضور نظامی امریکا در منطقه و وابستگی کشورهای عربی از لحاظ تسلیحاتی، اقتصادی، نظامی، سیاسی و استراتژیک خاور میانه را تحت تأثیر مولفه های غربی و غرب گرایی قرار داده است. نشانه های یاد شده را می توان در مولفه هایی از جمله پایگاه های نظامی، قراردادهای امنیتی، نیروهای نظامی، ملاحظه گری سیاسی و الگوهای تحقق اهداف امنیتی امریکا مشاهده نمود.

ارائه کننده: دکتر سیامک ره پیک دانشیار دانشکده علوم قضائی

### الگوی جدید امنیتی

بعد از فروپاشی رژیم بعث، دولتمردان کاخ سفید سرمست از پیروزیهای جدید در منطقه تلاش کردند که با ارایه الگوی جدید امنیتی متشکل از کشورهای حوزه خاور میانه، مصر و سوریه در قالب ۲+۶ ضمن تثبیت اوضاع امنیتی منطقه، شرایط را برای انزوای سیاسی

و اقتصادی ایران فراهم سازند، ولی این پیمان بدلیل اختلافات درونی کشورهای منطقه و ناتوانی سوریه و مصر در شکل دهی الگوی جدیدترتیبات امنیتی با شکست روبروگشت با این وجود، کشورهای غربی سعی نمودند که اهداف خود را براساس شکاف های منطقه ای، اعمال نمایند. آنان براین امر واقف اند که بدبینی قابل توجهی در روابط کشورهای عربی و ایران وجود دارد لذا با ادعای واهی از جمله تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات اتمی چنین وانمود کردند که ایران امنیت منطقه را در خطر آشکار قرار داده است. متأسفانه فضا سازهای رسانه ای غرب کارساز واقع شد. بطوریکه اعراب با تهدیدآمیز خواندن فعالیت های صلح آمیز ایران خواستار توقف این فعالیت ها شدند. در چنین شرایطی امکان و احتمال برقراری امنیت منطقه ای (بدون دخالت نیروهای خارجی) مسیر نبود. از اینرو اصلی ترین هدف استراتژی ایران را می توان بازسازی شکاف ها از طریق کنترل و مدیریت بحران دانست. شرایط جدید باعث شد که ایران تعاملات گسترده سیاسی و اقتصادی را با کشورهای حوزه خاور میانه در دستور کار خویش قرار دهد و حتی برای ایجاد سیستم جدید امنیتی منطقه و رفع هر گونه تعارض درون منطقه ای، پیشنهاد پیوستن به شورای همکاری خاور میانه را نیز ارائه دهد. استراتژی جدید تحت عنوان تعامل سازنده با اعراب را باید در ادامه سیاست تنش زدایی و اعتماد سازی دانست. ایران در قبال این استراتژی سعی نمود که کشورهای حوزه خاور میانه را به این باور برساند. که اولاً هیچ گونه تهدید امنیتی از ناحیه ایران متوجه آنها نیست و ثانیاً این باور را پیدا کنند که هر نوع خطر برای امنیت ایران، مخاطره و تهدیدی برای کل امنیت کشورهای منطقه است.

ارائه کننده: دکتر محمد رضا یازوکی استاد یار و کارشناس مطالعات امنیت منطقه ای

### تهدیدات امنیتی منطقه

قرار گرفتن کشورهای آسیای جنوب غربی در محل تلاقی تمدن های بزرگ و کهن، حلقه وصل میان قاره های اروپا و آسیا، همسایگی جهان اسلام و جهان مسیحیت، پل ارتباطی میان شمال، جنوب و شرق و غرب و نیز قرار گرفتن در مسیر ترانزیت نفت و گاز به اروپا را از ویژگی های مهم استراتژیکی منطقه آسیای جنوب غربی است. موقعیت ژئوپلیتیکی کشورهای آسیای جنوب غربی موجب گردیده این منطقه همواره به محل رقابت و تعرض قدرتهای بزرگ مبدل شده و ثبات و امنیت آن دستخوش تغییر و تحول گردد. عوامل متعددی در بروز بی ثباتی و ناامنی در کشورهای آسیای جنوب غربی مطرح می باشند که مهمترین آنها

عبارتند از:

۱. خلاء قدرت ناشی از فروپاشی شوروی  
۲. تهدیدات و چالشهایی که از شوروی به کشورهای مستقل شده و خاور میانه به ارث رسیده است.

۳. قوم‌گرایی دینی و نژادی

۴. اختلافات مرزی و تأثیر آن بر اقوام و ملیتها

۵. ضعف ساختار اقتصادی و توزیع نامناسب ثروت و فساد مالی

۶. اعمال سیاست تبعیض میان شهروندان و اتباع خود

۷. عدم وجود نهادهای مدنی کارآمد. (علیرغم اینکه کشورها از یوغ دو قطب غالب نجات یافته اند اما بنوعی الگوی حکومت های استبدادی را پیاده می‌کنند و نتوانستند در راه ایجاد دموکراسی و سازوکارهایی که بتواند مشکلات اجتماعی را در درون خود حل کرده و موفق گردند).

۸. رقابت قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با توجه به وجود منافع متعارض.  
از طرفی رویکردهای امنیتی در کشور های آسیای جنوب غربی نیز به چهار گروه تقسیم می‌گردد.

۱. رویکرد استراتژیک

۲. رویکرد قومی، سیاسی

۳. رویکرد اقتصادی

۴. رویکرد همکاری منطقه‌ای

رویکرد استراتژیک مسائل امنیتی کشور های آسیای جنوب غربی را در چهارچوب «تئوری بازی بزرگ» بین روسیه و آمریکا قابل تعریف می‌داند این دو قدرت عمده مؤثر در صحنه کشور های آسیای جنوب غربی اهداف و منافع جداگانه‌ای را در منطقه دنبال می‌نمایند و کشور های آسیای جنوب غربی نیز بدلیل ضعف‌های داخلی آنها را بعنوان تکیه‌گاه خود قرار داده‌اند. اما اشکال این رویکرد آنست که، روسیه کشور های شمالی آسیای جنوب غربی را حریم امنیتی و حیات خلوت خود دانسته بنابراین اهمیت خاصی برای آن قائل است. از طرفی احتمال گسترش تحولات این منطقه به مناطق دیگر بخصوص منطقه بلافصل از یک و تاجیک را می‌دهد. آمریکا نیز بدنبال اعمال سیاست خود از طریق کشور های آسیای جنوب غربی در منطقه می‌باشد و اگر بتواند مسائل مربوط به کشور های جنوبی

آسیای جنوب غربی را کنترل نماید در بسیاری از سیاستهای خود در منطقه موفق خواهد شد. گسترش ناتو نیز زمانی تحقق می‌یابد که کشور های آسیای جنوب غربی در اختیار سیاستهای ناتو قرار گرفته و به عبارت دیگر از سوی ناتو فتح گردد.

رقابت دو قدرت آمریکا و روسیه از گذشته تاکنون مشکلاتی را بوجود آورده است. بعنوان مثال در رابطه با موضوع میانجیگری در بحرانهای منطقه شاهد بودیم که در صورت محقق نشدن اهداف این دو کشور در میانجیگری نتیجه حاصله اهمیتی برای این کشور نداشت. ترکیه، عربستان نیز بعنوان دو قدرت مهم منطقه ای از این قاعده مستثنی نبوده و در تلاشهای میانجیگرانه خود چه بصورت مستقیم و چه از طریق اروپا، به دنبال منافع خود بوده اند. از موارد دیگر رقابت بین دو قدرت که موجب بروز مشکلاتی در منطقه گردیده است می‌توان به تحولات اخیر ازبکستان و کشمکش روسیه و آمریکا برای حضور نظامی در تاجیکستان و ازبکستان اشاره نمود. بنابراین با توجه به عدم اشتراک منافع دو قدرت در منطقه موضوع امنیت در کشور های آسیای جنوب غربی در چارچوب بازی بزرگ بین این دو قدرت حل و فصل نمی‌گردد. روسیه می‌تواند در مسائل مربوط به مناطق دیگری همچون عراق با آمریکا به تفاهم برسد. اما افغانستان و تاجیکستان بدلیل موقعیت فوقالعاده استراتژیکی نزد روسیه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

رویکرد قومی سیاسی نیز امنیت در کشور های آسیای جنوب غربی را با حل مسائل قومی - نژادی تحلیل نموده و چالشهای قومی، سیاسی را میراث شوروی سابق می‌داند. کشور های آسیای جنوب غربی بعنوان یکی از متنوع ترین مناطق جهان از نظر قومی می‌باشد که بیش از پنجاه نژاد مختلف در آن زندگی می‌نمایند. اختلافات تاریخی و یا سیاستهای نادرست رهبران شوروی، انگلستان و آمریکا نسبت به مسئله قومیت‌ها این موضوع را به معضلی جدی تبدیل نموده است. البته اشکال این رویکرد نبود فرهنگ مناسب برای حل مشکلات قومی، بهره‌برداری قدرتهای خارجی از اختلافات برای حضور در منطقه و استفاده ایزاری از اقوام جهت بقا در قدرت می‌باشد. مناقشه افغانستان اوج مسائل قومی نژادی در این منطقه است که علیرغم تلاش‌های گسترده گروه‌های مختلف میانجیگر صلح از جمله ایران، آمریکا، هند، پاکستان و کشورهای شورای همکاری هنوز حالت جنگ بر آن حاکم بوده و تا زمان امضای قرارداد صلح بین اقوام حاکم و طرفد اشغالگر نمی‌تواند ادعای صلح و ثبات نمود. علاوه بر افغانستان کانون‌های تهدید امنیت دیگری نیز همچون فلسطین، امارات لبنان، سوریه و ترکیه و عراق در منطقه وجود دارد که دخالت دیگران بنوعی بر مشکلات آنان

افزوده است. تا زمانیکه اقوام مذهبی، گویشی و نژادی در منطقه به درک مشترک فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نرسند وضعیت تغییر نخواهد کرد. بنابراین این رویکرد نمی تواند موجب تحقق امنیت در کشور های آسیای جنوب غربی گردد.

رویکرد بعدی رویکرد اقتصادی است که توزیع عادلانه درآمد را مقدمه ای برای حل تدریجی مشکلات امنیتی می داند. برخی از نظریه پردازان، امنیت در جهان سوم را در گرو حل مشکلات اقتصادی و نمود شکوفایی اقتصادی می دانند. در حال حاضر در شمال این منطقه نفت و عبور خط لوله می تواند همزمان دو نقش فرصت و تهدید را برای منطقه کشور های آسیای جنوب غربی ایفا نماید. چرا که از سویی سرمایه گذاری در پی داشته و موجب رفاه می گردد و از سوی دیگر رقابت قدرتها در منطقه را افزایش می دهد. برخی کشورها از نفت و خط لوله بعنوان اهرمی جهت حل چالشهای امنیتی - سیاسی خود استفاده می نمایند. تا زمانیکه این امر پیامدهای اقتصادی برای مردم داشته و به ابزاری برای فشار به طرف مقابل تبدیل گردد، کارائی چندانی در راستای استقرار ثبات و امنیت نخواهد داشت. در رابطه با اشکال این رویکرد باید گفت: امنیت بستر اساسی برای رشد و شکوفایی اقتصادی می باشد لذا غیر از قزاقستان که دارای ذخایر نفتی بوده و پتانسیل تحول را دارد، ازبکستان و تاجیکستان بدلیل مشکلات زیربنایی اقتصادی فاصله زیادی با رشد اقتصادی دارند. از طرفی حضور شرکتهای چندملیتی بدون توجه به خاستگاه کشورها نیز در صورت ضعف دولت مرکزی بر شکاف طبقاتی می افزاید.

در رویکرد همکاریهای منطقه ای نیز طرحهای مختلفی مطرح شده که به دلیل وجود مشکلات متعدد تاکنون هیچ یک از آنها عملی نگشته است. بنابراین هیچ یک از چهار رویکرد را به خودی خود نمی توان رد یا بدون در نظر گرفتن سایر رویکردها مورد توجه قرار داد. اما بنظر می رسد می توانیم رویکرد همکاریهای منطقه ای را بعنوان مبنایی برای آینده کشور های آسیای جنوب غربی مدنظر داشته باشیم. منطقه کشور های آسیای جنوب غربی باید به امنیت پایدار برسد جهت تحقق این امر می بایست رضایت همه نیروهای تأثیرگذار در منطقه فراهم گردیده، هر بازیگر امنیت خود را در گرو امنیت دیگری بداند و نوعی رژیم امنیتی تعریف گردد که مورد قبول همه کشورهای منطقه باشد. لازمه این موضوع نیز آنست که کشورها درک مشترکی از تهدیدات داشته و براساس آن برای شکل گیری یک امنیت جمعی تلاش نمایند. بطور کلی سه دسته از بازیگران سرنوشت امنیت منطقه را رقم می زنند.

۱. مردم، که بنظر می‌رسد از وضع موجود خسته شدند و در صورت فراهم بودن زمینه برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه همکاری می‌کنند.

۲. حکومت‌ها که بدلیل وجود مشکلات داخلی توانایی اندکی برای تأثیرگذاری جدی دارند.

۳. قدرتهای خارجی که با توجه به شرایط حاکم بر کشور های آسیای جنوب غربی می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند.

ارائه کننده: دکتر حسین عصاریان استاد یار و عضو هیئت علمی دانشگاه

### دیرینگی و تعامل منطقه ای:

جغرافیای آسیای جنوب غربی موجب شکل‌گیری موقعیت منحصر به فردی برای این سرزمین شده و این فرصت را برای اقوام و ملیت‌های متنوع و متعدد آن فراهم ساخته است تا در طول تاریخ در کنار یکدیگر به سر برده و تاریخ مشترکی را به وجود آورند. این سرزمین همواره گذرگاه ملیت‌های گوناگونی بوده و در مقاطع مختلف تاریخی با هویت‌های فرهنگی و سیاسی گوناگونی آشنا شده است و امروز این سرزمین که میراث گذشته را در خود پرورش داده به لحاظ سکونت اقوام و ملیت‌های گوناگون و متنوع در کنار یکدیگر از وضعیت ویژه‌ای برخوردار گشته است و همین موضوع باعث شده تا عده‌ای این سرزمین را قرار گرفته بر کمربند برخورد تمدن‌ها نام نهند.

واقعیت‌های تاریخی و فرهنگی منطقه و هویت‌های متنوع ملی، قومی و دینی که در کشور های آسیای جنوب غربی زندگی می‌کنند این نگرش را قوت می‌بخشد که در صورت عدم توجه به پی‌گیری سیاستی مبتنی بر اهداف والای انسانی و آرمان‌های عمومی بشری، منطقه می‌تواند به کانون برخوردهای سخت مذهبی، قوم‌گرایی و نژادپرستانه تبدیل شود. در دهه گذشته تجربه شیرین باز یابی هویت برخی کشور های آسیای جنوب غربی با تلخی جنگ‌ها و درگیری‌های مختلف توأم گردید و متأسفانه برای برخی از اختلافات و منازعات موجود چشم‌انداز روشنی دیده نمی‌شود.

جمهوری اسلامی ایران از بدو شکل‌گیری منطقه آسیای جنوب غربی ضمن تلاش برای گسترش روابط همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با آنها، کوشش نمود با میانجیگری خود در برخی از منازعات موجود طرفین را به اتخاذ روش‌هایی عادلانه در پیگیری اهداف سیاسی خود ترغیب نماید. سیاست جمهوری اسلامی ایران که بر اصول حسن همجواری،



تنش‌زدایی و گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها استوار است خواستار کشور های آسیای جنوب غربی صلح‌جو، با ثبات و رو به توسعه است و اعتقاد دارد که صلح و ثبات کشور های آسیای جنوب غربی نقشی مثبت در رشد و ترقی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت و بی‌ثباتی کشور های آسیای جنوب غربی عاملی منفی در گسترش روابط خارجی ایران خواهد بود. کشور های آسیای جنوب غربی صلح‌جو و با ثبات می‌تواند ارتباط‌دهنده «شمال و جنوب» و «شرق و غرب» جهان اسلام شده و پلی باشد برای گسترش ارتباطات همسایگان منطقه با یکدیگر و محلی باشد برای گفت‌وگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها وابسته به اسلام و از این‌ها از طریق با ایجاد فضای دوستی و همکاری بین کشورهای منطقه و همسایگان و تلاش برای یافتن سازوکاری مؤثر و مطمئن برای گسترش امنیت و ثبات در منطقه ممکن می‌باشد.

برگزاری همایش‌های مختلف چه در سطح اندیشمندان و کارشناسان و چه در سطح مقامات سیاسی و امنیتی، برای بررسی مسئله امنیت در کشور های آسیای جنوب غربی جنوبی می‌تواند آغازگر تلاشی گسترده برای جستجوی امنیت، ثبات و همکاری در کشور های آسیای جنوب غربی باشد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و بازیابی هویت جمهوریهای تشکیل‌دهنده آن موجب تغییرات ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی ویژه‌ای در مرزهای شمالی شرقی ایران گردید و فضای جدیدی را برای روابط خارجی کشورمان به وجود آورد، خصوصاً آنکه در همسایگی ایران واحدهای سیاسی مستقل و جدیدی شکل گرفتند که در بعد تاریخی، فرهنگی و تمدنی قرابت ویژه‌ای با ایران دارند. در بعد اقتصادی دارای منابع غنی و ظرفیت بالای همکاری هستند و به لحاظ سیاسی، بازیابی هویت در این کشورها موجب پیدایش فضای جدیدی در جهت همکاری و تعامل با ایران در چارچوب روابط دو جانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گردیده است. جمهوری اسلامی ایران پیدایش وضعیت جدید در مرزهای هژمون‌پذیر خود را فرصت ارزشمندی برای منافع مشترک محسوب نمود و کوشید تا در سایه همفکری و همکاری اوضاع کشورهای منطقه که با ناامنی شدیدی مواجه شده بود تثبیت گردد. تثبیت شرایط نوین منطقه مستلزم آن بود تا:

یکم؛ روابط سیاسی با کشورهای این حوزه برقرار گشته و گسترش یابد.

دوم؛ همکاریهای اقتصادی به عنوان پشتوانه همکاریهای سیاسی توسعه پیدا کند.

سوم؛ نقش سازنده‌ای در روندهای امنیت منطقه‌ای بر عهده گرفته شود.

چهارم؛ همکاریهای منطقه‌ای به جای رقابت‌های خارجی در منطقه، وجه غالب رفتارهای

سیاسی کشورهای منطقه گردد.

ایران ضمن گسترش روابط دو جانبه خود با این کشورها، با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود به عنوان حلقه رابط چندمنطقه با اهمیت جغرافیایی، تلاش نمود تعریف مناسبی از سیاست های منطقه ای خود ارائه نماید. ایران به عنوان کشور ارتباط دهنده مناطق آسیای مرکزی، کشورهای آسیای جنوب غربی، خلیج فارس، شبه قاره و خاورمیانه به یکدیگر، امنیت ملی و توسعه فزاینده خود را در تعامل مثبت با امنیت و توسعه منطقه پیرامونی خود جستجو نمود.

در این تعامل اساسی، ضریب امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران رابطه مستقیم با افزایش ثبات و امنیت مناطق پیرامونی دارد و بی ثباتی و عدم امنیت منطقه، بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تأثیر می گذارد. بر این اساس، طبیعی است که سیاست اصولی ایران در قبال کشورهای منطقه، فعالیت در مسیر تثبیت اوضاع و گسترش امنیت باشد. نقش اساسی، سازنده و مؤثر جمهوری اسلامی ایران در برقراری صلح در تاجیکستان، میانجی گیری در بحران افغانستان و در خصوص تنش در پاکستان و بحران عراق، مؤید این نکته مهم است که ایران ارتقای امنیت ملی و توسعه خود را در راستای تحکیم صلح در مناطق پیرامونی خود و امنیت و ثبات کشورهای منطقه جستجو می کند.

منطقه آسیای جنوب غربی جنوبی از یک سو به جهت اشتراکات تمدنی، تاریخی و فرهنگی و همچنین همسایگی دو کشور آن با ایران، و از سوی دیگر به لحاظ موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی، ژئوگنومیک و ژئواستراتژیکی، از جایگاه ویژه ای در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برخوردار است؛ به خصوص آنکه این منطقه به جهت تأثیرگذاری عوامل متعدد درونی مانند تعارضات قومی و اختلافات مرزی و عوامل بیرونی، مانند رقابت قدرت های بزرگ، بطور طبیعی و قهری، آمادگی بیشتری برای بی ثباتی و بروز تنش دارد. جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ راهبرد فعال در قبال امنیت منطقه کشورهای آسیای جنوب غربی تلاش می نماید با مشارکت در سازوکارهای امنیتی منطقه و همکاری در اجرای طرح های جلوگیری از منازعات و ابتکارهای میانجی گرانه در برابر بحران ها، در تحکیم ثبات و امنیت منطقه ایفای نقش کند. از آنجا که امنیت و ثبات در پرتو همکاری و همگرایی اقتصادی تحکیم می یابد، جمهوری اسلامی ایران تلاش گسترده ای را در این راستا به عمل آورده است. این تلاش ها در سه بخش حمل و نقل و ترانزیت، انرژی و تجارت متمرکز شده است.

در بخش حمل و نقل و ترانزیت جمهوری اسلامی ایران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی خود تلاش می‌کند با مزیت تأمین حمل و نقل ارزان، کوتاه و امن راه‌های ایران سهم ویژه‌ی را در توسعه منطقه و همگرایی اقتصادی با کشور های آسیای جنوب غربی بر عهده بگیرد. ایران در این راستا با نقش فعال خود در کریدور شمال- جنوب موفقیت ویژه‌ی در کاهش مدت زمان و هزینه حمل کالا به دست آورده است.

عملکرد مثبت ایران در در کاهش هزینه‌های تمام شده کالاها که نفع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را در دو سوی این کریدورها به همراه داشته، باعث گردیده تا کشورهای مختلف جهت پیوستن به آن اظهار علاقمندی نمایند. در راستای سهم‌گیری ویژه در حمل و نقل و ترانزیت، جمهوری اسلامی ایران علاوه بر ایفای نقش تعیین‌کننده ایفاگر نقش سازنده‌ی در ارتباطات شرقی- غربی باشد و بتواند از موقعیت جغرافیایی ویژه‌ی خود برای کاهش هزینه‌های ارتباط بین شمال- جنوب و شرق- غرب بهره بگیرد.

برای تحقق چنین هدفی جمهوری اسلامی ایران ضمن توجه جدی به موضوع تسهیل قوانین و مقررات مربوط به ترانزیت و حمل و نقل از جمله کاهش بوروکراسی، کاهش مراحل کار و اصلاح دائمی آنها تا نیل به شرایط مطلوب، طرح‌های زیربنایی را در دست اجرا داشته باشد:

در بخش انرژی جمهوری اسلامی ایران، هم در بخش نفت و گاز و هم در بخش انرژی هیدروکربنی، برنامه‌های مختلفی را در دست اجرا گرفته تا بتواند همگرایی بیشتری در این بخش نیز در بین کشورهای منطقه به وجود آورد. خرید و سوآپ نفت، اتصال خطوط مختلف انتقال گاز و سرمایه‌گذاری در انتقال گاز ایران و ترکمنستان به اروپا از مسیرهای مختلف از جمله مسیر کشور های آسیای جنوب غربی، اتصال خطوط انرژی الکتریکی کشور های آسیای جنوب غربی و ترکیه از طریق ایران و بهره‌گیری از ظرفیت ویژه اختلاف ساعت بین این مناطق در بهره‌گیری از انرژی الکتریکی و احداث زنجیره‌ای از نیروگاه‌های مختلف، می‌تواند از جمله طرح‌های در حال بهره‌گیری و یا طراحی شده از سوی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌گردد.

تجارت به عنوان یکی از بخش‌های همکاری‌های اقتصادی ایران با کشور های آسیای جنوب غربی، دارای اهمیت باشد. با یک مقایسه‌ی زمانی می‌توان نتیجه گرفت که در ده سال گذشته سهم تجارت ایران با کشورهای منطقه کشور های آسیای جنوب غربی در حال افزایش بوده است. البته تحلیل ظرفیت‌های اقتصادی موجود مؤید این نکته است که امکان

افزایش ظرفیت مبادلات تجاری، بسیار بالاتر از حجم میزان مبادلات کنونی است. در این زمینه، انجام مطالعات فنی و کارشناسی ضروری است، زیرا به ما در شناخت ظرفیت‌هایی که تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته و همچنین کشف ظرفیت‌های جدید، مدد خواهد رسانید. نگاه بلندمدت و راهبردی ایران به همکاری با کشورهای آسیای جنوب غربی و از طریق این منطقه با روسیه، اروپای شرقی و اروپای مرکزی و سرمایه‌گذاری‌های ایران در بخش‌های حمل و نقل و ترانزیت و انرژی، ضرورت ایفای نقش فعال و سازنده جمهوری اسلامی ایران را در کمک به ارتقاء و تعمیق امنیت و ثبات در منطقه کشورهای آسیای جنوب غربی، مورد تأکید قرار می‌دهد؛ بویژه آنکه نمی‌توان امنیت در کشورهای آسیای جنوب غربی را از امنیت خاور میانه جدا کرد و می‌دانیم که برای ایران، امنیت خاور میانه بخشی از امنیت ملی کشور محسوب می‌گردد.

جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر مسئولیت اصلی کشورهای منطقه در تأمین امنیت منطقه‌ای، معتقد است که کشورهای آسیای جنوب غربی، در همکاری فعال و مؤثر با همسایگان خود، می‌توانند به خوبی از عهده تأمین امنیت و ثبات منطقه خود بر آیند؛ ضمن آنکه می‌توانند با بهره‌گیری از مساعدت‌های پیمانهای منطقه ای و جامعه بین‌المللی، موجب تحکیم بیشتر امنیت در منطقه گردند.

حوادث افغانستان و عراق نشان داد که اگر کشورهای منطقه نتوانند با اتخاذ سیاست‌های اصولی و درست، راههای برون رفت از بحران را بیابند و با همگرایی منطقه‌ای موجب تحکیم ثبات و امنیت در منطقه گردند، سیر حوادث موجب تحمیل شرایطی بر منطقه می‌گردد که عواقب آن غیرقابل پیش‌بینی و البته زیانبار خواهد بود. لذا ضرورت دارد با توجه به واقعیت‌های موجود در کشورهای آسیای جنوب غربی و زمینه‌های بالقوه تشدید بحران در منطقه، راهکارهای مناسب برای افزایش امنیت و ثبات در کشورهای آسیای جنوب غربی اندیشیده شود. در منطقه ما، مقوله‌های امنیت، توسعه، اقتصاد و سیاست، در تعاملی فعال بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و این تأثیرگذاری، امری طبیعی است.

بنظر می‌رسد رهیافت درست در جهت ارتقاء سطح همکاری‌های اقتصادی، فنی، سیاسی و فرهنگی در این منطقه، نگرش جامع و همه‌جانبه به مقوله‌های یاد شده در زمینه‌های مشترک، متوازن و هم‌آهنگ باشد. بر این اساس، امید است که بتوانیم در آینده شاهد همکاری‌های گسترده‌تر، پویاتر و مؤثرتر در همه زمینه‌ها، با همکاری کشورهای منطقه و مشارکت فعال بخش خصوصی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی باشیم.